

بنام خداوند جان و خرد

سوبژکتیویته در تفکر فلسفی معاصر جهان اسلام

جستار نخست

سوبژکتیویته فلسفه اسلامی معاصر ایران
معرفت‌شناسی مطهری و ردیابی آن سوبژکتیویته مضمونی در آن

مسعود امید

دانشیار گروه فلسفه دانشگاه تبریز

انتشارات شفيعی

۱۳۹۹

سرشناسه	: امید، مسعود، ۱۳۴۵ -
عنوان و نام پدیدآور	: سوبژکتیویته در تفکر فلسفی معاصر جهان اسلام/مسعود امید.
مشخصات نشر	: تهران: شفیعی، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری	: ۱۳۲ ص؛ ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.
شابک	: 978-964-784387-4
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
موضوع	: فلسفه اسلامی
موضوع	: Islamic philosophy
موضوع	: مطهری، مرتضی، ۱۲۹۸ - ۱۳۵۸ -- دیدگاه درباره فلسفه
موضوع	: Motahari, Mortaza, 1921 - 1979 -- Views on philosophy
موضوع	: فلسفه اسلامی -- ایران
موضوع	: Islamic philosophy -- Iran
رده بندی کنگره	: ۲۴۱B
رده بندی دیویی	: ۱۰۰۷
شماره کتابشناسی ملی	: ۷۴۳۵

سوبژکتیویته

در تفکر فلسفی معاصر جهان اسلام

مسعود امید

نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۹

چاپ و صحافی: هورنو

شمارگان: ۲۰۰ نسخه

حق چاپ و نشر برای انتشارات شفیعی محفوظ است

انتشارات شفیعی: تهران، میدان انقلاب، خیابان منیری جاوید، ساختمان اردیبهشت،

شماره ۶۵، طبقه همکف، تلفن: ۶۶۴۹۴۶۵۴

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۷۸۴۳-۸۷-۴

فهرست مختصر

مقدمه.....	۱۳
مرحله نخست: تمیز معرفت شناسی.....	۱۹
بخش نخست: برها و مبانی.....	۲۱
فصل اول: تزه‌های عامه.....	۲۲
۱- اصل تعیین رویکردها در معرفت شناسی.....	۲۲
۲- اصل تقدم و فراگیری هستی نسبت به معرفت.....	۲۵
۳- اصل تقدم معرفت شناسی بر هستی شناسی.....	۲۵
۴- اصل ارتباط معرفت شناسی با هستی شناسی و نسیم انفس فلسفی.....	۲۷
فصل دوم: تزه‌های خاصه.....	۲۹
دسته نخست: اصول معرفت شناختی.....	۲۹
۱- اصل تقسیم بنیادی علم به حضوری و حصولی.....	۲۹
۲- اصل وحدت آگاهی و هستی.....	۳۰
۳- اصل مسبوقیت علم حصولی به علم حضوری.....	۳۱
۴- اصل تقسیم علم حصولی به تصورات و تصدیقات.....	۳۲
۵- اصل تمایز در تصورات.....	۳۳
۶- اصل تمایز در تصدیقات.....	۳۷

- فصل سوم: ۳۹
- دسته دوم: اصول هستی شناختی در معرفت شناسی ۳۹
- ۱- اصل مشادداری و مصداق داری ۳۹
- ۲- اصل تمایز وجود از ماهیت ۴۰
- ۳- اصل تمایز وجود ذهنی از وجود عینی ۴۱
- ۴- اصل مجرد فاعل شناسا و مجرد خود ادراک به نحو فی نفسه ۴۱
- فصل چهارم: ۴۳
- دسته سوم: اصول علم النفس فلسفی در معرفت شناسی ۴۳
- ۱- اصل ذهن به عنوان سبب ای از نفس ۴۳
- ۲- اصل اعتباری بودن مفهوم ذهن ۴۳
- ۳- اصل نفی معلومات فطری و اکتسابی در علم حصولی ۴۴
- ۴- اصل پذیرش معلومات فطری و اکتسابی در علم حضوری ۴۵
- ۵- اصل وجود دو جنبه عالمی و عبادی در نفس: ۴۵
- ۶- اصل رابطه علی و معلولی متعارف ذهن و ذرات ۵۵
- بخش دوم: مباحث و مطالب ۵۷
- ۱- تعریف معرفت شناسی ۵۷
- ۲- سه مساله بنیادین معرفت شناسی ۵۷
- بخش سوم: مسایل و پاسخ ها ۶۷
- ۱- مساله رئالیسم و ایدئالیسم ۶۸
- نتیجه گیری ۷۸
- ۲- مساله شکاکیت ۷۹
- ۳- مساله نسبی گرایی ۸۳
- ۴- مساله سوبژکتیویسم ۸۹
- نتیجه گیری ۱۰۰

مرحله دوم: تولد سوژه؛ رد پای یک سوژه مضمونی در معرفت	
شناسی مطهری	۱۰۱
۱- مراد از سوژه و سوژه مضمونی چیست؟	۱۰۱
۲- امکان طرح سوژه در معرفت شناسی مطهری	۱۰۳
۳- زمینه‌های یک سوژکتیویسم جامع در معرفت شناسی مطهری	۱۰۷
۴- سوژه به مثابه دستگاهی ادراکی با چارچوب و مختصات ویژه خود	۱۱۰
۵- تولد ذهن به مثابه تولد سوژه	۱۱۶
۶- تمایز سوژه از متعلق سوژه	۱۱۶
۷- سوژه به مثابه مل شناسای سه ساحتی	۱۱۷
۸- ویژگی‌های سه ساحتی	۱۱۹
۹- سوژه ایدئالیستی یا رئالیستی؟	۱۲۱
۱۰- نگاهی به تمایز سوژه‌ها	۱۲۲
نتیجه گیری	۱۲۷
منابع	۱۳۱

مقدمه

سوبژکتیویته برای فلسفه‌های شرقی نه در حکم یک خط قرمز فلسفی است و نه در حد یک تهدید فلسفی. سوبژکتیویته خواه برای متافیزیک عدم آسیای شرقی و خواه برای متافیزیک وجود خاورمیانه در حکم یک امکان برای مواجهه با گفتگوی فلسفی جهت تقرر مناسب آن دو متافیزیک، در زندگی مدرن است. محصل این مواجهه لزوما ظهور سوژه معرفتی صرف نخواهد بود بلکه می‌تواند به تولد روایت‌هایی جدید از سوژه بیانجامد از قبیل سوژه عدمی، سوژه لاهوری، سوژه وجودی و سوژه ... به علاوه معانی جدید و ممکن سوژه لزوما تک‌سایه نیز نخواهند بود بلکه می‌توانند چند ساحتی باشند. به نظر می‌رسد که یکی از کالیف فلسفی شرقیان برای ارتباط دقیق‌تر و بهتر با جهان جدید، خواه از سر تجدید گرایی باشد و خواه از سر تجدید سنت فلسفی خود، اکتشاف و استنباط سوبژکتیویته/ سوژه مضمونی فلسفه خودشان است. شاید بتوان یکی از ارزش‌های قابل توجه و تأمل در این راستا را در فلسفه خودی اقبال لاهوری یافت. فلسفه اقبال لاهوری تلاشی از سر تجدیدخواهی یا تجدید سنت فلسفی و این برای تعیین و تعریف چیزی به نام خودی است که متناظر با مفهوم سوژه است.

با این وصف و در همین راستا یکی از مهم‌ترین و سرنوشت‌سازترین مسایلی که در باب فلسفه اسلامی معاصر ایران قابل طرح است پرسش از نسبت تفکر فلسفی آنها با سوبژکتیویته است. به نظر می‌رسد که پرسش از

سوبژکتیویته در ایران باید با لحاظ دو سطح یا دو معنای متفاوت از سوژه یعنی سوژه سیاسی و سوژه فلسفی صورت گیرد. معنای سوژه سیاسی را باید در جریان و نحوه کنش و بینش سیاسی ایرانیان از مشروطه به بعد و در بطن رساله‌ها و اندیشه‌های سیاسی صد ساله اخیر جستجو کرد؛ در آثار روشنفکران یا نواندیشان دینی مثلاً در تنبیه الامه و تنزیه المله و... اما معنای سوژه فلسفی را می‌توان در حوزه معرفت‌شناسی و فلسفه اخلاق ایرانی جویا شد. در واقع شکل‌گیری سوژه سیاسی مربوط به جریان سیاسی تجدید طلبی یا تجدیدخواهی ایرانیان است و ظهور سوژه فلسفی محصول تجدید نظر طلبی و رخنه‌های اندیشه‌های فلسفه سنتی مربوط به مواجهه آن با فلسفه‌های جدید در برتوت می‌باشد.

این نوشتار تنها سده‌ها متعلق در سوژه فلسفی منظوری در معرفت‌شناسی فلسفه اسلامی معاصر است که در مواجهه با معرفت‌شناسی جدید غرب به تدریج شکل گرفته است و متولد شده است. بر این اساس این اثر نخست به تقریر معرفت‌شناسی فلسفه اسلامی از دیدگاه مرتضی مطهری می‌پردازد و آنگاه نظریه سوژه خاص (سوژه مضمونی) منبث از چنین معرفت‌شناسی را آشکار می‌سازد و به نمایش می‌گذارد. روشن است که نخستین گام‌های فلسفی اندیشان مسلمان در عرصه جدید مانند معرفت‌شناسی، قرین ضعف‌هایی از قبیل کلیت، ابهام، چندگانگی و غیره بود. اما با این وصف، از لابلای اصول و مباحث و مسایل آن می‌توان زمینه‌ها و ردپای یک سوژه خاص آن معرفت‌شناسی یا سوژه مضمونی را استنباط کرد.

گفتنی است که یکی از مهم‌ترین چالش‌های فلسفه اسلامی معاصر ایران با فلسفه غرب در حوزه معرفت‌شناسی بوده است. این چالش از سوی چند تن از فیلسوفان مسلمان معاصر ایران پی‌جویی شده است. در این میان

نخستین مواجهات با معرفت شناسی غرب از سوی حلقه محمد حسین طباطبایی صورت گرفته است. این نوشتار مربوط به دیدگاه‌هایی است که از سوی این حلقه که توسط مطهری شرح و روایت شده است، می‌باشد. حاصل این مواجهه، تولد جریان معرفت شناسی در فلسفه اسلامی معاصر بوده است. اما مساله مهم این است که آیا می‌توان با توجه به ظرفیت‌های نوینی که این معرفت شناسی با توسل به رویکرد ترکیبی (میان فلسفه اسلامی و غرب) یافته است، شاهد هندسه، مباحث و نتایج نوینی (مانند تولد یک سوژه مضمونی) در این معرفت شناسی بود؟

پاسخ این نوشتار به سوال فوق مثبت است و در همین راستا در این تحقیق در مرحله نخست در تقریر مجدد معرفت شناسی مطهری، هندسه نوینی در سه مرحله رای آن تدارک دیده شده است. در بخش نخست به تزیهای اصلی و مبانی این معرفت شناسی پرداخته شده است: تزیهای عامه و خاصه. در مبانی عامه، بر رویکردها و در مبانی خاصه به اصول معرفت شناختی صرف، اصول هستی شناسی و در معرفت شناسی و در نهایت به اصول علم النفسی در معرفت شناسی پرداخته شده است. بخش دوم مربوط به تعریف معرفت شناسی و تعیین و توصیف مساله اصلی آن یعنی راه حصول علم و حدود علم و ارزش علم است. در بخش سوم مربوط به طرح مسایل مهم معرفت شناسی از قبیل ایدالیسم، شکاکیت، نسبیت و سوژکتیویسم (به عنوان یک مبحث نو) است.

مرحله دوم مربوط به استنباط و استخراج یکی از بحث انگیزترین و مهم ترین نتایج فلسفی از معرفت شناسی فلسفه اسلامی به روایت مطهری است؛ یعنی اذعان به وجود یک سوژه مضمونی در این معرفت شناسی. در واقع یکی از نتایج مهم و نوینی که از این اثر قابل استنباط و استخراج است، عبارت از پیشنهاد (تز) امکان تولد سوژه ای مضمونی در بطن و حد این

معرفت شناسی است. معرفت شناسی فلسفه اسلامی که پس از مواجهه با معرفت شناسی غرب (به ویژه کانت) در ایران به ظهور رسیده است، در بطن خود زمینه پیدایش نظریه ای خاص در باب سوژه را فراهم آورده است. از همین رو می توان از سوبژکتیویته ویژه فلسفه اسلامی معاصر ایران سخن گفت.

در واقع این نیای مشترک دو جریان فلسفه غرب و فلسفه جهان اسلام - یعنی فلسفه یونان - و نیز مواجهه همدلانه برخی از فلسفی اندیشان مسلمان با معرفت شناسی بنیادین غرب و نیز نتیجه تحقیقات فیلسوفان معاصر غرب مبنی بر قدرت و حلیه سوبژکتیویته بر بسیاری از فلسفه های موجود است که امکان پرسش از سوبژکتیویته فلسفه اسلامی معاصر ایران را برای این قلم مقدور و موجه ساخته است و حتی می تواند برای دیگر فلسفی اندیشان معاصر ایران نیز موجه سازد. این ساس به نظر می رسد که وقت آن است تا فلسفی اندیشان این دیار از حود بپرسند که صرف نظر از ظهور سوژه سیاسی در ایران جدید پس از مشروطه آیا می توان رد پای سوژه فلسفی را در آثار فلسفی اندیشان مسلمان یا فلسفه اسلامی معاصر یافت؟

گفتنی است که این اثر نه در پی تطبیق ساس معاصر نظر سوبژکتیو بر معرفت شناسی معاصر فلسفه اسلامی است و نه در پی تفسیر آن منظر بر این فلسفه است. بلکه به دنبال کشف و انکشاف رد پای سوبژکتیویته در جریان فلسفی سنتی معاصر ایران است. از سوی دیگر، این تدبیر لزوما در پی طرح و رفع تعارضات موجود یا ممکن در چنین سوبژکتیویته ای نیز نیست. به بیان دیگر این اثر متکفل حل و فصل تعارضات یا رفع و رجوع خلل و فرج موجود یا ممکن نظریه سوژه در معرفت شناسی فلسفه اسلامی معاصر ایران نمی باشد.

در نهایت باید گفت که این نوشتار بیش از آنکه مشتمل بر پاسخی نهایی و حتی درخور برای مساله خاص خود باشد، متضمن طرحی اولیه و بیش از آن طرح یک پرسش فلسفی دشوار ولی اساسی در باب نسبت تفکر فلسفی ایران معاصر با سوژکتیویته است. این قلم نیک آگاه است که در این مقام راهی دشوار و پر پیچ و خم در پیش رو دارد اما از سوی دیگر بر این امر نیز واقف است که جز این راهی و طریقی در پیش رو نیست؛ چنین پرسشی می‌تواند برای اندیشه فلسفی معاصر ایران، امری سرنوشت ساز و نتیجه بخش باشد.